

خوانش اعجاز ادبی قرآن از رهگذر مطالعات بینامتنی

مرضیه محمص^۱

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، M_Mohases@sbu.ac.ir

چکیده

جستارهای قرآنی، پیرامون ابعاد متنی و ادبی آیات در کنار ابعاد دین شناختی آن، مسبوق به سابقه‌ی فاخری می‌باشد. در این میان همواره امکان پیگیری رهیافت‌های نوین به جنبه‌های اعجاز آمیز قرآن کریم وجود دارد. یکی از این رهیافت‌ها، بررسی درهم تنیدگی متون می‌باشد که به نوعی محصول رویکرد زبان شناختی و نقد متن محور است. به موجب چنین مطالعاتی، رخشندگی‌های متنی قرآن در آفرینش آثار ادبی ماندگار و سرآمد در قرن‌های بعد از نزول، بیش از پیش رخ می‌نمایاند. به عبارت دیگر نه تنها فراخوان هم‌آوردی قرآن در طول دوران‌ها، از جانب مخاطبان پاسخ داده نشده، بلکه ادیبان برجسته و منفرد در عصرهای بعد به نوعی وامدار ظرافت‌های متنی و تعابیر نغز قرآنی بوده‌اند. به تعبیر دیگر زیبایی‌های ادبی شگفت آور در تعابیر قرآنی، آب‌شخور شکل‌گیری آثار گرانسنگی در طول تاریخ ادبیات گشته و هر ادیب به نحوی با این متن غائب تعامل برقرار نموده است. امروزه می‌توان با نگاهی به مطالعات ادبی مغرب زمین، الگوهای نظری نوینی را مورد بحث و بررسی قرار داد و ساختارها و الگوهای ادبی گسترده تری را در گفتمان قرآن شناسایی نمود.

بینامتنیت ترجمه لغت «تناص» در زبان عربی است و بر اشتراک دو متن با یکدیگر دلالت دارد. این نظریه توسط ژولیا کریستوا در اواخر دهه‌ی شصت قرن بیستم میلادی مطرح شد. در مطالعات ادبی فارسی، بینامتنیت با دو اصطلاح «تلمیح» و «انتحال» شناخته می‌شود. اصطلاح تناص در نقد عربی نوین به معنای تبادل متون یا تداخل و ارتباط متون با یکدیگر است. پس از ورود بینامتنیت به دنیای عرب، این اصطلاح با چالش‌های متعددی روبه‌رو گشت. و برای آن از تعابیر متعددی نظیر: «التناص»، «تداخل النصوص»، «النصوص المتداخلة»، «النصوصیه»، «تعلق

النصوص»، «توادر النصوص»، «الحوار بین النصوص»، «النصیة»، «تظافر النصوص» و «النصوصیه» به کار رفت. این نظریه بر ضرورت وجود رابطه بین متون تأکید دارد از این رو هیچ مؤلفی خالق اثر خویش نیست، بلکه اثر وی باز خوانشی از آثار پیشینیان یا معاصران میباشد. پس معرفت بینامتنی همه‌ی نظام‌های نشانه‌ای را که خواننده با آنها آشنا است، در بر می‌گیرد. در فرآیند تعاملات بینامتنی، مولف اثر برای تعبیر از اندیشه و دیدگاه خاصی از متن مبدأ برای بیان مقاصد و انگیزه‌های خود و کارکردهای مختلف به ویژه کارکردهای اجتماعی و نیز ایجاد زیبایی و اسلوب هنری نو و الگو گرفته از اثر مبدأ بهره مند می‌شود. سازگان زبان شناختی منحصر به فرد قرآن سبب شده محققان با اطمینان اذعان نمایند که گفتمان قرآن، ژانری منحصر به فرد است. بیان آموزه‌های جهان شمول دین شناختی، تعلیمی و هدایتی در قرآن کریم با بهره‌گیری حداکثری از ویژگی‌های ادبی و در نسقی استوار انجام گرفته است. تاثیرات مستقیم یا غیر مستقیم لکن قابل شناسایی متن غائب قرآن بر دیگر متون فاخر از خلال بررسی لایه‌های عمیق نصوص آشکار می‌گردد. پیوند ژرف آثار ادیبان نام آور، گواهی بر این مدعاست. اخذ واژگان قرآنی، اخذ تعابیر قرآنی، اخذ قواعد نحوی، اخذ مثل‌های قرآنی، اخذ اصطلاحات قرآنی و... از جمله این پیوندها به شمار می‌آیند. بکارگیری صنعت‌های ادبی همچون اشاره، تلمیح، اقتباس، تضمین، تحلیل آیات، قصص، تمثیل، قالب‌هایی برای بهره‌گیری از متن قرآنی در گنجینه ادبیات عربی و فارسی می‌باشد. «فراهنجاری» و «فرازمانی» بودن متن قرآنی دو برآیند بسیار قابل عنایت مطالعات متنی قرآن کریم از رهگذر بررسی‌های بینامتنیت قرآنی با آثار ادیبان صاحب نام در عصرهای پس از نزول قرآن محسوب می‌شود. در این نوشتار با بررسی کتاب‌ها و مقالات مرتبط با نظریه «بینامتنیت»، در قالب روش توصیفی - تحلیلی، مفهوم بینامتنیت، انواع روابط بینامتنی، پیشینه این نظریه و نمونه‌هایی از تطبیق قرآنی این نظریه با آثار سخنوران فارسی و عرب زبان بیان می‌شود و در نهایت نتایج بهره‌گیری از این نظریه در افق اعجاز ادبی قرآن ارائه خواهد گردید

واژه‌های کلیدی:

اعجاز ادبی، بینامتنیت، قرآن کریم، ادبیات.